

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

صص ۱۶۵-۱۹۲ (مقاله پژوهشی)

بررسی فنوسماتیک در سوره الانبیاء براساس تحلیل زبانی

مهری فرشادی^۱، دل آرا نعمتی پیرعلی^۲، سوسن آل رسول^۳، تمیینه پارسایی^۴

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۱۴ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۹)

چکیده

معناشناسی آوایی یا فنوسماتیک یکی از حوزه های مطالعاتی پایه در زیانشناسی محسوب می شود که تناسب میان متغیرهای فوتیک و سماتیک را مورد بررسی قرار می دهد. آواها با آهنگ خاصی که به کلمات می دهنده تقش مهمی را در انتقال پیام متن ایفاء می کنند از اینرو توجه به تناسب میان آوا و معنا در زمرة پژوهشها نوین علمی بوده و ابزار مناسبی برای مطالعات معناشناسی در قرآن کریم محسوب می شود. این ضرورت تحقیق موجب شده که ارتباط آوایی-معنایی در سوره الانبیاء به شیوه تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و در این بررسی ضمن ملاک قرار دادن سیاقها و بررسی فنوسماتیک آیات و الفاظ کلیدی در هر سیاق و کشف موضوع اصلی سیاقها و موضوع کانونی سوره، چنین به دست آمده است که موضوع کانونی سوره الانبیاء روایت و انسان است و موضوع محوری هر سیاق در ارتباطی تکاتگ با این موضوع کانونی قرار دارد و این ارتباط غرض سوره را که عبارت است از اصلاح یینش و کنش انسان در رابطه با رویت الله، برآورده می کند. بررسی صفات ذاتی حروف در الفاظ آیات کلیدی هر سیاق، یا انگر آن است که لحن سریع و کوبنده، همچون سور مکی، لحن غالب در سوره الانبیاء است و در بعضی از سیاقها لحن سخن نرم است، زیرا تبیین و تذکر و اصلاح یینش و کنش کفار و مشرکین از سویی لحن کوبنده را می طبلد و از سوی دیگر لازمه تبیین و تأیید یینش و کنش بندگان صالح و نحوه تعامل خداوند با آنان، لحنی نرم می پاشد. فنوسماتیک در سوره الانبیاء حاکی از این است که میان الفاظ و آواها و موضوع و پیام اصلی سوره هماهنگی کامل وجود دارد.

کلید واژه ها: سوره الانبیاء، موضوع کانونی، روایت، فنوسماتیک، تحلیل زبانی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، farshadi.mehri@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)، dlrnemati@gmail.com
۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ s_alerasoul@kiau.ac.ir
۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران؛ ptahmina@yahoo.com

۱- بیان مسائله

زبان‌شناسی دانشی است که بطور علمی نحوه کارکرد زبان را توجیه می‌کند و دارای رویکردها و مکاتب مختلفی می‌باشد از جمله فرمالیسم که در نقد یک اثر ادبی به شکل و ساختار آن اهمیت می‌دهد. مفهوم شکل در نزد فرمالیستها ساختاری یکپارچه از همه اجزای یک متن است مانند وزن عروضی، قافیه، ردیف، هجاهای، صامتها، مصوتها و صنایع مختلف بیانی و بدینی دیگر، از این‌رو در نزد فرمالیستها شکل، محتوا می‌آفریند. این مطلب را زبان‌شناسی ساختارگرا توسعه و گسترش داده و هر جزء را در ارتباط با کل بررسی کرده و آنرا جزئی از ساختار کلی می‌شمارد. نظریه نظم جرجانی نیز قرنها پیش از این مطالعات نوین، به ارتباط لفظ - معنا تاکید کرده است در تعبیر امروزین این نظریه می‌توان گفت که هر واحد کلامی به معنایی خاص دلالت می‌کند پس زبان در نگاه جرجانی نیز نظامی از ارتباطات است. این نظام ارتباطات در سطوح مختلف از جمله سطح آوایی قابل بی‌گیری و ردیابی می‌باشد. توجه به شگردهای زبانی از جمله شگردهای آوایی و تاثیر آنها در دلالتهای معنایی از دیرباز از سوی زبان‌شناسانی همچون جرجانی مطرح شده است

نخستین کسی که به بررسی و تحلیل مسائل آوایی پرداخت «خلیل بن احمد فراهیدی» در کتاب «العین» است. پس از او مصطفی صادق رافعی در «الاعجاز القرآن و البلاغة النبوية» (۱۴۲۱ق) و سیدقطب در «التصویر الفنى فی القرآن» (۱۴۱۵ق) به بعد زیباشناختی و موسیقیابی آواها پرداخته‌اند. در این راستا اندیشمندانی چون «ابن جنی» در کتاب «الخصائص» به ویژگی‌های روان‌شناسی آواها و رابطه ذاتی صوت با معنای واژه پرداخته و سیوطی در کتاب الاتقان فی علوم القرآن تحت عنوان «ائتلاف لفظ و معنا» به گوشه‌هایی از آن اشاره نموده است. این بحث تحت عنوان برجسته سازی‌های آوایی در زبان‌شناسی نوین نیز مورد توجه قرار گرفته است لذا بیان هماهنگی‌های آوایی - معنایی در قرآن‌کریم مسائله بسیار مهمی است که هماهنگی نظریه‌های زبان‌شناسی کهن و نوین را نیز به نمایش

می‌گذارد. در مجموع از نقش آوا در انتقال معنا در قرآن کمتر سخن گفته شده است.^۱ مسأله این تحقیق، کشف و تبیین نظام ارتباطات آوایی - معنایی در سوره الانبیاء می‌باشد در مورد تناسب آوا با محتوا در سوره الانبیاء و هماهنگی آن با غرض سوره مقاله یا پایان‌نامه‌ای نگارش نشده است. این پژوهش سعی دارد، به نقش معنایی آواها در آیات کلیدی سیاق‌های سوره الانبیاء پرداخته و علاوه بر نمایان کردن جنبه‌ای از اعجاز قرآن، در صدد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشد که: آواها در تولید معنا در سوره الانبیاء چگونه عمل می‌کنند؟ چگونه دانش فنوسمانتیک به کشف زیبایی‌های درونی سوره الانبیاء کمک می‌کند؟ و چه ارتباطی بین آواها و موضوع کانونی سوره الانبیاء برقرار است؟ روش نگارش این مقاله توصیفی - تحلیلی است که در ابتدا سیاق‌های سوره الانبیاء مورد بررسی قرار گرفته و پس از کشف موضوع محوری سوره به تحلیل آوایی سیاق‌ها با تکیه بر آیات کلیدی پرداخته است.

۲- فنوسمانتیک^۲

در مطالعات معاصر فنوسمانتیک که همان معناشناسی آوایی است مورد تأکید اندیشمندان قرار گرفته است. آواها با موسیقی و آهنگ خاصی که به واژگان می‌دهند قادرند در سخنان ادبی نقش مهمی را در انتقال پیام بر عهده بگیرند. علاوه بر جنبه زیباشناختی موسیقی آواها، امروزه جنبه‌ی دیگری از نقش آواها در انتقال پیام مورد توجه

۱. پایان‌نامه سبک‌شناسی ادبی سوره مبارکه دخان نوشته سوسن حق‌جو که به تحلیل سوره دخان در سطوح آوایی، واژگانی و نحوی پرداخته است. پایان‌نامه ارتباط آوایی - محتوایی (فنوسمانتیک) در قرآن نوشته سجاد شفیع‌پور بروجنی، که به معناشناسی آوایی از جمله آواز درونی و بیرونی در قرآن پرداخته است و همچنین مقالات سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه «نبا» (لایه نحوی، آوایی، واژگانی) نوشته مهرانگیز خدابخش‌نژاد و قاسم اثاراتی، ابراهیم اثاری، محمود شهبازی، که به بررسی ویژگی‌های پارز سبکی سوره «نبا» در سه لایه نحوی، آوایی و واژگانی پرداخته است. تناسب آوایی محتوایی (فنوسمانتیک) در آیات قرآن با بررسی مواردی از سوره واقعه و کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات) نوشته ابراهیم فلاح و سجاد پوردانش، که به تناسب آوایی - محتوایی در قرآن در سه دسته تناسب در واژه، تناسب در آیه و تناسب در آیات با سیاق معنایی بررسی شده است در مقاله بررسی لایه‌ی آوایی سوره‌ی مبارکه‌ی «الانبیاء» از منظر سبک‌شناسی نوشته مینا پیروزدانیا، مالک عبدی و راضیه قاسمی به شاخه‌های سبک‌ساز تکرار و جناس در این سوره پرداخته شده است.

2. Phono-semantic

ویژه قرار گرفته است که «فنوسماستیک» نام دارد (فراستخواه، ۱۶۵). در علم فносماستیک این مطلب اثبات می‌شود که آواها عناصر بی‌مفهوم و بی‌ارتباط با معنا نیستند بلکه متغیرهایی هستند با مدلول‌های معنایی که برای ایجاد سطوح مختلف معنایی بکار می‌روند و با تصویرسازی ذهنی از حالات و صفات گوینده، در ارتباط‌اند. (فلاح و پوردانش، ۱۲۹) یکی از شیوه‌های برجسته‌سازی در کلام بهره‌گیری از شگردهای آوامعنایی است. (فهرمانی‌نژاد و جاوری، ۱۲۸)

۳- تحلیل زبانی متن و قواعد آن

تحلیل یعنی بررسی اجزائی که در درون یک کل قرار گرفته‌اند از حیث نوع عملکرد و کارکرداشان. (پاکتچی، ۱۴۵-۱۴۶) برای پی بردن به عملکرد دقیق اجزاء، ضرورت دارد که هدف متن کشف شود زیرا تمام اجزای یک کل در صدد تامین هدف آن کل می‌باشد بنا بر این یافتن هدف متن، راه مناسبی برای یافتن نوع و نحوه عملکرد هر جزء از آن متن است. برای بررسی دقیق نحوه عملکرد اجزاء یعنی حروف و الفاظ در متن قرآن‌کریم، لازم است که ابتدا غرض و هدف سوره مورد شناسایی قرار بگیرد.

کشف غرض سیاقها و توجه به مفهوم مشترک بین آنها، توجه به عناصر درون متنی و توجه به عناصر برون متنی مهمترین قواعد کشف غرض سوره هستند (خامه‌گر، ۶۸). الفاظ به عنوان عناصر درون متنی از جهات مختلف قابل بررسی هستند از جمله از جهت واژه گزینی و نیز از جهت نحوی، اما در این مقاله الفاظ به عنوان عناصر درون متنی از حیث آوا و دلالتهای آواییشان مورد توجه قرار می‌گیرند و در واقع آیات کلیدی در هر سیاق با توجه به الفاظ کلیدی موجود در آنها مورد تحلیل آوایی قرار گرفته و دلالت آوایی آنها کشف می‌شود.

۴- آوای الفاظ و دلالت معنایی

۴-۱. آوای الفاظ و انواع آن

مطالعه علمی آواهای زبان که توانایی تولید آوا در انسان را مورد مطالعه قرار می‌دهد،

آواشناسی می‌گویند. (صفوی، ۳۹) آواها به دو گروه همخوان و واکه تقسیم می‌شوند. همخوان یا صدای ساکن یا صوت صامت، صوتی است که در هنگام تولید آن، هوا در نقطه‌ای از اندامهای گویایی با مانع برخورد می‌کند و یا مجرای عبور هوا تنگ می‌شود و سایش ایجاد می‌کند. (ستوده‌نیا، ۴۹) صدای صامت، صدای مجھور یا مھموس را گویند که هنگام تلفظ و تولید، مخرج و محل تولید معینی در دستگاه تکلم دارند و تمایز آنها از یکدیگر به خاطر همین متفاوت بودن مخرج و صفات آنهاست. (مدرسی قوامی، ۵۵) واکه همان صوت، صدای کوتاه و کشیده مجھوری هستند که در حین تولید، تکیه‌گاه و مخرج خاصی در دستگاه تکلم ندارند یعنی وقتی هوا از شش‌ها خارج شد تارهای صوتی را مرتعش می‌کند و به موازات حالت گرفتن دهان و چگونگی حالت آن، صدایی شنیده می‌شود. (علامی، ۶۶/۱) بنابراین واکه‌ها همگی واکدار (مجھور) هستند اما همخوانها ممکن است برخی از آنها واکدار و برخی بی‌واک باشند. (مدرسی قوامی، ۵۵) آواهای همخوان (صامتها) در زبان عربی «حروف» و «واکه‌ها» فتحه، ضمه و کسره هستند.

۴-۲. صفات حروف

ویژگی و خصوصیتی را که در تلفظ هر صوت وجود دارد «صفات حروف» گویند. هر کدام از حروف عربی، دارای اوصاف خاصی هستند. این ویژگی، باعث می‌شود تا اصواتی که در جایگاه تولید با هم مشترک هستند، دارای کیفیت صوتی متفاوت و متمایز باشند. در علم تجوید، برای هر یک از حروف عربی صفات متعددی، بیان شده است که به اعتبارهای گوناگون می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. (ستوده‌نیا، ۷۲) این صفت‌ها که صفت اصلی و ذاتی حروف بوده و هرگز از آنها جدا نمی‌شوند ده تا هستند که دوبعد، متضاد و در یک حرف قابل جمع نیستند، که عبارتند از: «جهر - همس، شدت - رخوت، استعلاء - استفال، اطباق - افتتاح، اصمات - اذلاق» (فلاح، ۳۳) صفات فرعی (غیرمتضاد)، هشت صفت است که اهمیت بیشتری دارند، که عبارتند از: قلقله، صفير، خفاء، لين، انحراف، تکرير، تفشي و استطاله. (ابن‌الجزري، ۲۰۵/۱)

۴-۳. لحن و ریتم

«لحن در ادبیات، عبارت از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت به محتوای پیام ادبی است که با تکیه بر دیگر عناصر شعر از قبیل قالب شعر، معنی اصلی و ضمنی واژه‌ها، عبارت‌های برجسته، ساختمان جمله‌ها، وزن، هجاهای شعر، تصاویر توصیفی و صور خیال شکل می‌گیرد... به گونه‌ای که می‌توان گفت: عدم درک صحیح لحن یک شعر یا نثر ممکن است خواننده را در درک ساختار متن و برقرار کردن رابطه بین اجزای متن یا اثر گمراه کند و از دریافت مفهوم و مضمون اثر بازدارد.» (عمران پور، ۱۲۷) بنابراین، منظور از لحن کلام در کلام مکتوب، نحوه گزینش و چینش کلمات است که به واسطه دلالت‌های آوایی، بار معنایی خاصی را با خود به کلام می‌افرايد و در کشف مقصود گوینده بسیار موثر است (رجی، ۱۳۹)

بررسی لحن یک متن که براساس دلالت‌های آوایی امکان‌پذیر است، تاثیر بسزایی در القا مفهوم مورد نظر به مخاطب داشته، دریچه‌های دقیق‌تری را پیش روی مفسّر قرار می‌دهد. (فلاح و شفیع پور، ۴۷)

ضرب آهنگ در فارسی، ایقاع در عربی و ریتم در لاتین وازگانی معادل هم می‌باشدند. از نظام آوایی و موسیقایی قرآن در علوم قرآنی با عنوان نظم آهنگ قرآن یاد می‌شود. ریتم یا نظم آهنگ، آهنگ حاصل از کیفیت گزینش و چینش همخوانها (حرروف)، واکه‌ها (حرکات)، مدها و برخی صنایع لفظی در متن می‌باشد (خرقانی، ۷) در قرآن‌کریم کیفیت گزینش و چینش این عناصر، ریتم‌های متعددی را تولید می‌کند که عبارتند از:

الف- ریتم نرم، غالباً در موضع دعا و التجاء بnde به خداوند (الکواز، ۳۰۵) مشهود است چرا که در آن دلها آماده ارتباط و خشوع گشته، در فضای تقدیس و تنزیه و قدرت مطلق آرامش می‌گیرند. (صبھی صالح، ۳۲۸/۱) این نوع ریتم، در بردارنده واکه‌های کشیده، مد لین، همخوان‌های نرم و آرام، پیوستگی آوایی و صنایع لفظی همچون جناس است. (زیبایی و حسینی، ۷۷)

ب- ریتم کند و منقطع، آیات أحکام چنین ریتمی دارند، چون خداوند مسائل عبادی و معاملات را به تفصیل بیان کرده است. در این نوع از آیات متنانت و کندی در ریتم سبک

مشاهده می‌شود، چون مراد از آن آموزش دادن به مردم و تفہیم جزئیات امور است. این امر به بیان آرام و ریتم کند که با آن تناسب دارد صورت می‌گیرد. (الکواز، ۳۰۵)

ج- ریتم تند یا سریع، معمولاً این ریتم در آیاتی بکار رفته است که مشتمل بر عنصر سرعت و هیجان هستند همچنین آیات مشتمل بر مفهوم تحقیر و یا توصیف احوال قیامت نیز از این ریتم بهره برده‌اند. (فلاح و شفیع پور، ۹)

د- ریتم کوبنده، به کاربردن همخوان‌های انفجاری و سنگین، استفاده زیاد از تشدید و به کارگیری واکه‌های کوتاه، ریتم کوبنده را به وجود می‌آورد و غالباً مفاہیم تهدید و توبیخ و شدت عمل را القاء می‌کند (زیبایی و حسینی، ۸۰) بیشتر آیات قسم نیز بر این ریتم هستند. (الکواز، ۳۰۶)

با تدبیر در آیات سوره الانبیاء می‌توان اذعان داشت، لحن غالب در سوره الانبیاء، سریع و کوبنده است، زیرا به مباحثی همچون، معاد (آیه ۱)، تهدید (آیه ۶)، و نابودی برخی از امم پیشین، قوانین جهان، درهم شکستن باطل (آیه ۱۸)، مرگ حتمی همه انسانها (آیه ۳۵)، صحنه‌های قیامت (آیه ۱۰۴)، حسابرسی... اشاره دارد.

اما در بخشی از آیات سیاق چهارم و پنجم، که به نحوه زندگی انبیاء و تعامل خداوند با آنان می‌پردازد، فراوانی واکه‌های کشیده، مد لین، همخوان‌های نرم و آرام، پیوستگی آوایی، ریتم آیات کند و نرم می‌شود. (الانبیاء، ۸۳، ۸۹)

۵- ساختار موضوعی سوره الانبیاء

در این سوره نام ۱۶ تن از پیامبران الهی به‌طور صریح و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عیسی علیه السلام بدون تصریح به نامشان سخن رفته است، از همین روی به «الانبیاء» موسوم شده است (فیروزآبادی، ۳۱۷/۱). براساس تقسیم‌بندی علامه در المیزان سوره الانبیاء دارای ۶ سیاق می‌باشد؛ سیاق اول از آیه ۱ تا ۱۵ است که به موضوعاتی پیرامون رب و ارسال رسل، نزول کتب آسمانی، هدایت به ذکر و هلاکت به دنبال ظلم اشاره شده

است. سیاق دوم از آیه ۱۶ تا ۳۳ است که در آن به مباحثی درباره هدف خلقت، کمال بشر، وحی و نبوت، سنت الهی از جمله پیروزی و نجات رسولان و مومنان، هلاکت و نابودی ستمکاران، اشاره شده است؛ سیاق سوم از آیه ۳۴ تا ۴۷ است که در آن از مرگ، رجعت بسوی خداوند، عدم جاودانگی، وقوع قیامت و حسابرسی و نقصان زمین، عجول بودن انسان نسبت به قیامت و حسابرسی و مباحثی پیرامون آن اشاره می‌کند. سیاق چهارم از آیه ۴۸ تا ۷۷ است که در آن نزول قرآن و مقایسه آن با کتب پیشین، داستان پیامبران و کوشش آنان در انجام رسالت الهی، مقام امامت و رهبری آنان، مصائب و گرفتاری آنان در این راه و موهبت‌های اعطایی خداوند به آنان را یادآور می‌شود. سیاق پنجم از آیه ۷۸ تا ۹۱ است که به نحوه زندگی انبیاء در میان مردم و کنش‌های آنها می‌پردازد و در قبال آن افاضات و مواهب الهی نیز مطرح می‌شود. سیاق ششم از آیه ۹۱ تا ۱۱۲ می‌باشد که در آن مطالب سیاقهای پیشین جمع‌بندی شده، و اشاره به سرانجام جهان داشته و نوید حکومت بندگان صالح بر گستره هستی را به همگان می‌دهد.

۶- تحلیل آوایی در سوره الانبیاء

در این قسمت، برای دستیابی و تعیین موضوع محوری، عنوان و آیات کلیدی هر سیاق از قواعد کشف غرض سوره استفاده کرده، سپس به تحلیل آوایی آیات کلیدی هر سیاق، با توجه به موضوع محوری سیاق و سوره پرداخته شده است.

۶-۱- تحلیل آوایی در سیاق اول: رب و سنتهای ربوبی

این سیاق اول شامل آیات ۱ تا ۱۵ است که در اولین آیه، «اقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي عَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ» با لحنی کوبنده خبر از قریب بودن حسابرسی مردم و اعراض کفار و مشرکین می‌دهد. در ادامه کافران غافل و بی‌توجه به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تهدید می‌کند و اتهام ساحری و شاعری را از او واهی می‌خواند و تأکید می‌کند که در

گذشته نیز پیامران را فرستادیم و وعده‌های خود را نسبت به آنان عملی کردیم. سپس به یکی از سنت‌های خود مبنی بر پیروزی و نجات رسولان و مومنان و هلاکت و نابودی اقوام مسرف و ستمکار، اشاره می‌کند. با توجه به این مطلب آیه ۲ «ما يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمْعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» آیه کلیدی می‌باشد، زیرا «ربوبیت» الهی را همراه با «وحی»، «ذکر» و انسان و عملکرد او در قبال وحی یک‌جا مطرح کرده است. آیه ۷ «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلِيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» هم آیه کلیدی محسوب می‌شود زیرا در آن از یکی از سنت‌های الهی مبنی بر ارسال رسالت و وحی و اهل‌الذکر سخن گفته است. با توجه به آیات کلیدی، واژه‌های «رب»، «ذکر»، «نوحی» و «أهل الذكر» کلمات کلیدی و «ربوبیت و سنتهای ربوبی» مطلب کانونی سیاق و سوره می‌باشد، لذا عنوان «رب» و سنتهای ربوبی برای سیاق اول عنوان مناسبی می‌باشد.

خداآوند سبحان موضوع سنتهای ربوبی را با تکرار زیاد حروف «کاف» و «تاء» با صفت جهر و شدت، «قاف» و «با» با صفت قلقله به معنای اضطراب، تحرک و جنبش شدید (ستودنیا، ۷۸) و همخوان «سین» با خاصیت صفير (ابن الجزری، ۸۹) بخوبی بیان کرده است. در این سیاق قوانین آفرینش و سنت‌های ربوبی با حروف مجھور و شدید بیان شده تا در مخاطب تاثیر بیشتری داشته باشد. آیه ۷ «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلِيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» با لحنی محکم و قاطع، به بشر بودن پیامبر و عدم تناقض آن با نبوت (طباطبایی، ۳۵۶/۱۴) اشاره نموده و برای تفہیم این موضوع مشرکان را به «أهل الذکر» ارجاع می‌دهد. تکرار یازده مرتبه‌ای همخوان «لام»، که همخوانی روان و واکدار، مجھور، دارای صفت بین شدت و رخوت است (عبدالشکور، ۳۴) در راستای مفهوم آیه است. تکرارشش مرتبه‌ای همخوان «نون» که یک همخوان خیشومی واکدار و دارای خصیصه صمیمیت و انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، موضوع وحی و نبوت را با لحنی سرشار از صمیمیت ولی با منطقی محکم القا می‌کند. این آواها به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «رب» و «رسل» و سه مرتبه تکرار واژه «ذکر»، در این سیاق، در راستای موضوع سیاق، یعنی رب و سنتهای ربوبی می‌باشد.

۶-۲. تحلیل آوایی در سیاق دوم: ربوبیت الهی و کمال انسان

سیاق دوم شامل آیات ۱۶ تا ۳۳ است که در صدد بیان هدف خلقت و نفی قاطع شرک است. سپس با لحن قاطعی برای ابطال اوهام بی خردان می فرماید: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَعُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (الانبیاء، ۱۸) سپس به عبادت و تسبیح بی وقهه فرشتگان اشاره کرده، و در بی آن به شبھه مشرکان مبنی بر فرزند بودن فرشتگان پرداخته و با یک برهان قاطع به نفی شرک آنها می پردازد سپس اشاعه توحید و عبادت خدای یگانه را رسالت همه پیامبران معروفی نموده است. یکی از مهمترین آیات کلیدی در این سیاق آیه ۱۸ «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَعُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» می باشد که به یکی از سنتهای الهی مبنی بر غلبه جبهه حق بر باطل پرداخته است. آیه ۲۲ «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» با یک برهان قاطع، شرک را نفی و آیه ۲۴ «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعَى وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلَيْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُغْرَضُونَ» از مشرکین برای شرک شان دلیل و برهان می طلب و بدنبال آن به وحدت هدف رسولان اشاره می کند. آیه ۲۵ «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونَ» آیه کلیدی دیگر می باشد که به رسالت مشترک انبیاء که اشاعه توحید است می پردازد. در این آیه «رسول» و «وحی» تکرار شده که در سیاق قبل هم ذکر شده بود.

بنابراین کلمات کلیدی این سیاق، «نقذف»، «عرش»، «فاعبدون»، «ذکر» و «رب» است که با موضوع کانونی این سیاق، ربوبیت و سنتهای الهی و مساله هدایت و کمال انسان ارتباط تنگاتنگ دارد. در این سیاق هم، واژه «رب»، «ذکر» و «وحی» تکرار شده است. با توجه به مطالب این سیاق که مباحثی پیرامون هدف خلقت، سنن الهی، کمال بشر، وحی و نبوت است، می توان مطلب کانونی این سیاق را «ربوبیت و کمال انسان» نامید. خداوند سبحان برای تاکید بر هدفمندی خلقت، نفی قاطع شرک، ارسال رسول، حقیقت معاد، سنتهای الهی مبنی بر درهم شکستن باطل در این سیاق از همخوان های، «باء»، «قاف»، « DAL »، « تاء » و

«کاف»، بیشتر استفاده فرموده، زیرا دارای صفت صلابت و شدت و کوبندگی می‌باشد (عباس، ۶۶) آمدن این حروف به همراه تشدید زیاد، این موضوعات مهم را در ذهن مخاطب حک می‌کند. این آواها به همراه تکرار سه مرتبه‌ای واژه «عبد» و دو مرتبه‌ای «ذکر»، بر موضوع کانونی سیاق، «ربوبیت الهی و کمال انسان» تاکید می‌کند. همچنین شکست جبهه باطل را، در آیه ۱۸ «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصْفُونَ» با استفاده از حرف مکرر «فاف» بیان فرموده که از حروف شدت است و در هنگام ادای آن از غایت شدت و قوت، صوت و نفس حبس می‌شود و تا محل خروج آن را درهم نشکند، صوت خارج نمی‌گردد. (عباس، ۱۴۲) تکرار همخوانهای مذکور به همراه استعاره (سیوطی، ۵۳/۲، ابن‌عاصور، ۲۵/۱۷) «نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ» (الانبیاء، ۱۸)، بخوبی توانسته است، ترس، وحشت، اضطراب و اضمحلال باطل را به شکلی هنرمندانه، تصویرسازی کند. در جمله «فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصْفُونَ» دو واج «و» و «فاء» که بیانگر بی‌رمقی وضعف (معرفت، ۱۳۷) هستند، القاکنده این معناست که، پرتاب تیرهای حق بر باطل، سبب بی‌رمقی و ضعف آنان شده، درهم کوبیده و نابودشان کرده است. این آواها با شیوه‌ای هنرمندانه بیانگر یکی از قوانین و سنت‌های آفرینش مبنی بر «اصالت حق و عارضی بودن باطل» (قطب، ۲۳۷۵/۴) است. این نحوه بیان در راستای موضوع کانونی سوره و سیاق، مبنی بر ربوبیت و کمال انسان است. در آیه ۲۲ «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آللَّهُ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصْفُونَ»، خداوند با بیانی منطقی و محکم، با برهان تمانع، مشرکین را به توحید فرامی‌خواند. انحراف فکری آنان با تکرار ۱۰ مرتبه‌ای حرف «لام»، که صوتی انحرافی (السیران، ۱۴۱/۱) است، بیشتر نمایان می‌شود. علاوه بر این، با استفاده از حروف «سین» و «صاد» که دارای خاصیت صوتی‌اند (عباس، ۱۴۷) مشرکین را به چالش منطقی و مناظره می‌خواند. همچنین حرف «شین»، با خاصیت تفسیّی به معنی انتشار، گسترش و فراگیری (عبدالشکور، ۳۹) به زیبایی غیرقابل وصف، معنای «رب‌العرش» را که سراسر گیتی را فراگرفته القا می‌کند. علاوه بر موارد مذکور، لفظ

جلاله «الله» هم دو بار تکرار شده که علاوه بر زیبایی آیه، باعث تثبیت معنی و مفهوم توحید، در قلب و دل شنووند است. این ترکیب آوایی به همراه تکرار نام جلاله «الله»، در راستای موضوع کانونی سیاق می‌باشد. آیه ۲۴ «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلَّهُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرَضُونَ» با استفاده از استفهام انکاری «أَمْ» و بکارگیری فعل امر «قُلْ» و التفات از مخاطب به غایب و دوباره بازگشت به خطاب، با لحتی تند، به محکوم کردن و توبیخ مشرکین پرداخته و با همان لحن، در مقام مخاصمه با مشرکین برآمده است. تکرار ۱۰ مرتبه‌ای همخوان «میم» که دارای ویژگی جمع کردن و بستن، گسترش و امتداد، مکش و افتتاح (عباس، ۷۱) است در صدد القا این معناست که خداوند مباحث مشرکین، که در میان آنان در حال گسترش بوده را جمع کرده و با استدلال محکم و قوی دهان آنها را بسته، از آنان طلب برهان می‌کند. این آواهای به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «ذکر» در راستای مفهوم کانونی سیاق، ربویت و کمال انسان می‌باشد. همچنین تکرار ده مرتبه‌ای حرف «لام» در آیه ۲۵ «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» که صوتی انحرافی (السعران، ۱۴۱/۱) است، بیانگر عقاید باطل و انحرافی مشرکین است. همچنین همخوان «نون» بین شدت و رخوت (علامی، ۱۴۳) و همخوان «سین» با خاصیت صفير (عباس، ۱۱۰) در راستای مفهوم آیه مبنی بر هدف ارسال رسالت و وحی الهی است، زیرا بکارگیری حرف «سین» نشانگر علني و جهاني بودن این امر و حرف «نون» نحوه تحقق آن را نشان می‌دهد. علاوه بر این، تکرار حرف «إِلَّا» در این آیه، نشانه تاکید بر دو موضوع مهم است، در اولی برای تاکید زیاد بر اینکه، به طور قطع و یقین، سخنان پیامبران وحی الهی است و در دومی تاکید بر توحید است. تکرار حرف «من»، سرعت کلام را گرفته تا در نهایت متنانت و تعمق بیشتر، دعوت به توحید انجام پذیرد. ضمناً بین دو واژه «أَرْسَلْ» و «رَسُول» جناس اشتئاق وجود دارد (زحلیلی، ۲۴۱/۲). این شگرد به زیبایی ظاهری متن کمک شایانی کرده و سبب بر جستگی کلام شده است. در واژه «رسل»، حرف «لام» همخوانی روان و واکدار (عبدالشکور، ۳۴)

آهنگ آن نرم و گوش نواز، «س» خاصیت صفیر (ابن الجزری، ۸۹) و «راء» صفت تکریر دارد (садات فاطمی، ۲۲)، این ویژگی‌ها و تکرار آن علاوه بر زیبایی آوایی، سبب شده تا خداوند تکرار ارسال رسول و وحی الهی و وحدت هدف آنان را با انتخاب چنین جناسی به زیبایی القا فرماید. این شگرد مفهوم سیاق را مبنی بر ربویت و کمال انسان، دو چندان می‌کند.

۶-۳. تحلیل آوایی در سیاق سوم : ربویت و معاد

در این سیاق که از آیه ۳۴ تا ۴۷ را دربرمی‌گیرد، به پاره‌ای از شباهت مشرکین و بهانه‌جویی‌های آنان درباره رسول خدا (ص) پاسخ می‌دهد «وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ» (الانبیاء، ۳۴). یکی از آیات کلیدی این سیاق آیه ۳۵ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» است که در آن، قانون کلی مرگ را، با لحنی کوبنده و بدون استثناء بازگو می‌کند و سپس به مسأله کیفیت حیات انسان در فرصت عمر می‌پردازد. آیه دیگر آیه ۳۷ «خُلُقُ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَارِيْكُمْ آیاتی فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ»، است که اشاره به استعجال در عذاب اخروی مشرکان دارد خداوند این استهzaههای مکرر را، استعجال عذاب شمرده و خبر داده که به زودی آیات عذاب را نشانشان می‌دهد. آیه کلیدی دیگر آیه ۴۴ «بَلْ مَتَّعْنَا هُؤُلَاءِ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتَى الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» است، که به عدم پایداری جهان و نعمت‌های ایش اشاره می‌کند. در این سیاق با الفاظ مختلف به مرگ، رجعت بسوی خداوند، عدم جاودانگی، وقوع قیامت و حسابرسی و نقصان زمین، عجول بودن انسان نسبت به قیامت و حسابرسی، اشاره شده است. همچنین واژه‌های «ذکر»، «رب»، «رسول»، «وحی» تکرار شده است. با توجه به آیات کلیدی، واژه‌های «خلد»، «ذائقه الموت»، «عجل»، «فتنة»، «ناتي الأرض»، «ننقص» کلمات کلیدی سیاق و «ربویت و معاد» مطلب کانونی سیاق می‌باشد، لذا این عنوان برای سیاق سوم عنوان مناسبی خواهد بود. خداوند برای القای این موضوع در این سیاق از همخوان‌های، «باء»، «كاف»، «فاف»، بیشتر استفاده فرموده، زیرا دارای صفت صلابت و

شدت و کوبندگی می‌باشد، آمدن این حروف به همراه تشدید زیاد، قطعیت مرگ، عملکرد انسان در قبال حق، عذاب و حسابرسی قیامت را برجسته‌تر می‌کند. این آواها به همراه تکرار دو مرتبه‌ای واژه «رب»، «ذکر»، «خُلد» و «عَجَل»، در راستای القای پیام سیاق مبنی بر ربویت و معاد بوده‌اند. در آیه ۳۵ «كُلُّ نَفْسٍ ذَايَقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةٌ وَ إِنَّا تُرْجَعُونَ»، مرگ حتمی انسانها را با استفاده از تکرار همخوان «نون» با ویژگی بین شدت و رخوت (ابن‌الجزری، ۱۴۳) و صوت انفجاری «باء» (الحمد، ۲۸۷)، بیان می‌کند. علاوه بر این، با استفاده از حرف تاکید «کل» و استعاره (صفی، ۲۷/۱۷) «ذَايَقَةُ الْمَوْتِ» چشیدن مرگ و ابتلا به خیر و شر، و رجعت بسوی خداوند را با قاطعیت ترسیم می‌کند. از طرف دیگر تکرار حرف «و»، تاکید و تامل بر مراحل مختلف این سیر را گوشزد می‌کند. مجموع این مباحث، در راستای مفهوم کانونی سیاق «ربویت و معاد» می‌باشد. در آیه ۳۷ «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ»، حروف «عین»، «جیم»، «قاف» دارای صفت جهر، به معنی قوت، آوای بلند و آشکار (ستوده‌نیا، ۷۳) بوده که هنگام خروج همراه با حبس شدن نفس می‌باشد. (عبدالشکور، ۳۳) تکرار این حروف، از طرفی، معنای مورد نظر آیه را مبنی بر درخواست نابخردانه استعجال مشرکین در عذاب را می‌رساند و از طرف دیگر در صدد مذمت این رذیله اخلاقی و حتمی بودن عذاب مشرکین است. علاوه بر این، تکرار هدفمند واژه «عَجَل» هم باعث موسیقی و زیبایی کلام شده و هم زشتی این صفت را برجسته می‌کند. علاوه بر این، بین «عَجَل» و «تَسْتَعْجِلُونَ»، جناس اشتقاق برقرار است. لفظ «عَجَل» در ابتدای آیه به صورت مجرد آمده ولی در انتهای آیه، وقتی انکار کافران را می‌بیند، برای القای این صفت منفی، با بردن آن در باب استفعال، علاوه بر ایجاد موسیقی، با افزایش الفاظ، تراکم معنایی ایجاد می‌کند. افزایش الفاظ، با ایجاد امواج صوتی بیشتر، تاثیر مضاعفی بر دستگاه صوتی مخاطب می‌گذارد. این شگرد مراتب شتابزدگی و استعجال بشر را به اوج رسانده و حرص او را به تصویر می‌کشد و مراد خداوند را مبنی بر سرزنش این صفت القا می‌کند. حرف «عین» با صفت شدت و علوّ (عباس، ۲۱۲)، «جیم» با ویژگی

انفجاری و مجھور (السیران، ۱۴۷/۱)، شدت و اصرار در درخواست عذاب را القا می‌کند و تکرار حرف «لام» که صوتی انحرافی (السیران، ۱۴۱/۱)، است به شکل هنرمندانه‌ای انحراف فکری کفار را نسبت به مرگ و معاد ترسیم می‌کند. در آیه ۴۴ «بَلْ مَتَّعْنَا هُؤُلَاءِ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتَىٰ الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» همخوان «همزه الف» بیشترین تکرار را در بردارد، که القاکننده‌ی صداهای بلند و خشم بوده و همخوان‌های «تا، طاء» دارای صفت شدّت، به معنی قوّت و سختی (عبدالشکور، ۳۴) هستند، این آواها به همراه تکرار استفهم انکاری «أ»، موضوع «نقسان ارض»، عدم غلبه کفار و مشرکین را به زیبایی تفهیم می‌کند و بخوبی با مضمون و مفهوم آیه همخوانی و تناسب دارند، زیرا خداوند سبحان، طول عمر کافران را مهلتی برای ازدیاد گناهانشان قرار داده و هشدار می‌دهد با مرگ و فنا از اطراف زمین می‌کاهد و هیچ‌کس بر او غلبه ندارد. این تکرارها در راستای مفهوم سیاق، روایت و معاد می‌باشد.

۶-۴. تحلیل آوای در سیاق چهارم: روایت و فرج بعد از شدت برای پیامبران
سیاق چهارم شامل آیات ۴۸ تا ۷۷ می‌باشد. این سیاق به داستان پیامبران و کوشش آنان در انجام رسالت الهی آنان یعنی هدایت انسان می‌پردازد و مصائب و گرفتاری آنان در این راه را یادآور می‌شود. از اعطایی تورات و قرآن «وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارِكٌ أَنْزَلْنَاهُ»، و در پی آن به نکوهش منکران می‌پردازد. سپس به احتجاج حضرت ابراهیم با بتپرستان، و استدلال‌های منطقی او با مشرکین و اقامه توحید و نفی شرک می‌پردازد و اعطای هدایت و رشد به او، بواسطه لیاقت‌ش می‌پردازد. سپس به سخن ابراهیم در مواجهه با مشرکین اشاره کرده، به آنان هشدار می‌دهد که خالق و ربّ شما و همه جهان‌هستی خداست. و با منطق «قالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْتَلُوْهُمْ» (الانبیاء، ۶۳)، در صدد آن برآمد که وجود آن خفتنه آنان را بیدار نماید. در ادامه از افکنده شدن ابراهیم در آتش و سرد و سلامت شدن آتش در آیه ۶۹ و بیان روایت الله در عالم و نیز در آیات ۷۷-۷۱ نجات ابراهیم و لوط از آن سرزمین

و بخشیدن اسحاق و یعقوب به وی و اعطای مقام امامت به آنها خبر می‌دهد، آنگاه دادن نبوّت و علم به لوط و نجات او از دیار قوم تجاوز پیشه و نجات نوح و پیروانش از طوفان و غرق شدن تکذیب‌کنندگان را حکایت می‌کند و در واقع شکل‌های متعدد روایت الله را بیان کرده است و این خود دلیل است بر این‌که این سوره بر روایت الله تمرکز و تاکید دارد. با توجه به مطالب مذکور آیه کلیدی این سیاق آیه ۷۳ «جَعَلْنَا هُمْ أَئِمَّةً يَهْدِنَّ بِأَمْرِنَا وَ أُوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» می‌باشد، زیرا در بردارنده کلماتی همچون «ائمه»، «هدایت»، «وحی» و «عبادت» است. در این آیه به مقام امامت و رهبری پیامبران بزرگ اشاره می‌کند. در این سیاق واژه «ذکر» و «رب» و «وحی» تکرار شده است و این نشانه پیوستگی و انسجام آیات این سیاق با دیگر سیاق‌هاست. در سیاق‌های قبل به رب و سنت‌های الهی، کمال انسان، مرگ و معاد اشاره شد و در این سیاق به یکی دیگر از جنبه‌های روایی یعنی سنت هدایت، اشاره شده است. با توجه به مباحث ذکر شده، کلمات کلیدی این سیاق «ذکر»، «ضلال»، «ائمه» و «عبدین»، «رشد»، «نجا» است. چون مطلب کانونی این سیاق، مباحثی پیرامون جلوه‌های روایی همچون، ارسال رسول، فرج بعد از شدت برای پیامبران، کتب آسمانی و هدایت انسان است، لذا می‌توان عنوان این سیاق را «روایت و فرج بعد از شدت برای پیامبران» نامید.

خداآنده سبحان در آیه ۷۳ «وَ جَعَلْنَا هُمْ أَئِمَّةً يَهْدِنَّ بِأَمْرِنَا وَ أُوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» با بکارگیری و تکرار همخوان «ا» که مبین صدای بلند و هیاهوست (قوییمی، ۳۱) با بیانی رسا و فراگیر، هدف نهایی ارسال رسول و را القا می‌نماید. علاوه بر این با استفاده از همخوان «هاء» که دارای رخوت، نرمی و سستی است (معرفت، ۱۳۶) ویژگی‌های پیشوایان دینی، همچون عبودیت، نیکوکاری، اقامه نماز و زکات، را، در نهایت نرمی و اخلاق‌مداری بیان می‌کند. همچنین با بکارگیری زیاد از حرف «و» ریتم آیه را کند نموده تا مخاطب را به تأمل بیشتر در موضوع واداشته و این مهم را القا کند که ثمره مجاهدت‌های انسانهای وارسته و عابد، پیشوایی مردم و رساندن آنان به

هدایت الهی است. آواهای موجود در این سیاق، به همراه تکرار واژگانی همچون «عبد»، «ذکر» و «رب»، بیانگر موضوع کاتونی سیاق یعنی «ربویت و فرج بعد از شدت برای پیامبران» می‌باشد.

۶-۵. تحلیل آوایی در سیاق پنجم: معیت الهی با پیامبران و بندگان پاک

این سیاق شامل آیه ۷۸ تا ۹۱ می‌باشد که به نحوه زندگی انبیاء در میان مردم و عملکردهای آنها می‌بردازد و آنها را به عنوان الگوهای عملی انسان معرفی می‌کند و افاضات و مواهب الهی به آنان مطرح می‌شود. به داوری داود و سلیمان و اعطای حکمت و دانش به آنان، مسخر کردن کوهها و پرندگان برای داود (طبرسی، ۹۲/۷)، رام کردن تدبیاد و تسخیر شیاطین و جنیان برای سلیمان می‌بردازد و در ادامه به تصرع ایوب و اجابت دعای او اشاره می‌کند و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را به سبب شکیبایی و شایستگی می‌ستاید، و به آنان نوید «وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ» (الانبیاء، ۸۶) می‌دهد. سپس دعای ذوالنون و رهانیدن او از اندوه و نیز دعای زکریا و بخشیده شدن یحیی بدرو را نقل می‌کند و پاکدامنی مریم و آیت بودن او و فرزندش عیسیٰ علیه السلام برای جهانیان را اعلام می‌کند. با توجه به موارد مذکور یکی از آیات کلیدی این سیاق، آیه ۷۹ «فَفَهَّمْنَا هَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَّ وَ الظَّيْرَ وَ كُتَّا فَاعِلِينَ» می‌باشد. زیرا موهبت‌های حضرت سلیمان و داود را متذکر می‌شود و با گزینش هدفمند، کلماتی مانند «فَفَهَّمْنَا»، «آتَيْنَا»، «سَخَرْنَا»، «حُكْمًا»، «يُسَبِّحُنَّ»، بیانگر عنایات اعطایی خداوند به بندگانش می‌باشد، لذا با توجه به اهمیت این موضوع، می‌تواند آیه کلیدی محسوب شود. آیه ۸۳ و ۸۴ «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَنَّى الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفَنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٌّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرِي لِلْعَابِدِينَ». کلیدی هستند. در این آیه به سرگذشت حضرت ایوب(ع) و ابتلاءات او و درخواستش از خداوند اشاره می‌کند. ایوب(ع) با توصیف پروردگار به «ارحم الراحمین» و عدم تصریح بر

درخواست خویش از سویی رضای خود به رضای الهی را اعلام نموده و از سوی دیگر به رحمت الهی پناه برده است و امید و اعتمادش را بر ساحت حق تعالی این‌گونه بیان می‌کند.

(نعمتی، ۴۴) و خدای تعالی دعایش را مستجاب نمود و از مرض نجاتش داد و اموال و اولادش را با چیزی اضافه‌تر به او برگردانید. (طباطبایی، ۴۴۳/۱۴) نکته قابل توجه اینکه در این آیه حضرت ایوب خدا را با واژه "رب" می‌خواند، که کارش تربیت و کمال بشر است. آیه کلیدی دیگر، آیه ۸۷ و ۸۸ وَ دَا اللُّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَبِّحَنَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمٍ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ می‌باشد. در این آیات به گوشه‌ای از سرگذشت ذوالنون و دعای او به درگاه الهی می‌پردازد، سپس به استجابت دعای او اشاره می‌کند این آیه می‌تواند از آیات کلیدی باشد زیرا یکی از جلوه‌های ربوبی خداوند نسبت به بندگان را دربردارد. آیه کلیدی دیگر، آیه ۹۰ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ هَبَنَا لَهُ يَحْيَى وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ می‌باشد. این آیه پاسخ خداوند سبحان به درخواست زکریا است. سپس به صفات برجسته این خانواده اشاره می‌کند. خداوند سبحان در این آیه و آیات بعد، با گزینش کلماتی مانند «فاستجبنا» و تکرار فعل اخیر در ارتباط با انبیاء مختلف، تعامل پیوسته با بندگانش را به زیبایی تمام القا می‌کند. لذا این آیه نیز از آیات کلیدی این سیاق بوده و ارتباط مفهومی با موضوع محوری سوره دارد. با توجه به مطالب مذکور واژگان کلیدی در این سیاق «نادی، فهمنا، فاستجبنا، یدعوننا، ذکری، رهبا، نفخنا روحنا» می‌باشد که با توجه به القای معانی خاص، به شیوه‌ای هنرمندانه در کنار هم قرار گرفته‌اند. از طرفی واژه «رب» در این سیاق سه بار تکرار شده است که با موضوع محوری سوره ارتباط دارد. با توجه به مباحث مذکور در این سیاق «معیت الهی با پیامبران و بندگان پاک»، عنوان مناسبی برای این سیاق می‌باشد. خداوند سبحان در این سیاق برای بیان نحوه زندگی انبیاء و بندگان پاک و عملکرد آنان، گسترده‌گی و رحمت و موهب بی‌انتهای الهی، از همخوان «۱» که برای بیان صدای بلند و هیاهو

(قویمی، ۳۱)، همخوان «نون» با ویژگی انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) و همخوان «میم» با ویژگی گستردن، امتداد، و افتتاح (عباس، ۷۱) استفاده کرده است. همچنین با بکارگیری زیاد از تشدید و واکه‌های کشیده «ا» در آیه ۷۹ «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كُلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَأْوَدَ الْجَبَالَ يُسَبِّحُنَّ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ»، که بیانگر صداهای بلند (قویمی، ۳۱) است، و تکرار زیاد حرف «نون» که در بردارنده صمیمیت، انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، معنی مورد نظر خود را مبنی بر عطایای خاچش بر این پیامبران، به زیبایی الفا می‌کند. علاوه بر این، تکرار حرف «و» سرعت قرائت کلام را گرفته و ریتم را کند کرده است تا با تانی و تامل بیشتر، افاضات و عنایات روبی نسبت به بندگان ملموس‌تر گردد.

در آیه ۸۳ «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»، تکرار حروف «سین» و «حاء» که دارای صفات همس و رخوت و حرف «راء» که مجھور بین شدت و رخوت است نرمی و لطافت خاصی را در جهت معنای آیه الفا می‌کند. همچنین تکرار حرف «نون» که دارای ویژگی صمیمیت، انسانیت، استقرار و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است، حس خوبی را در برداشته و حالت دعایی و تضع حضرت ایوب را به درگاه خدای اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ به زیبایی ترسیم می‌کند. علاوه بر تکرار حروف، تکرار واژه «رحم» در این آیه، عطوفت و مهربانی بی‌بدیل خداوند را دو چندان می‌کند. این تکرارها در حروف و واژه، علاوه بر خلق موسیقی، در جهت القای مفهوم سیاق و تعامل پیوسته خداوند با بندگان تاثیری دو چندان دارد. علاوه بر این، بین دو واژه «أَرْحَمُ» و «الرَّاحِمِينَ»، جناس اشتراق برقرار است. (صابونی، ۲۵۴/۲) این آرایه علاوه بر زیبایی، سبب برجسته شدن عبارت مذکور شده، بر رحمت بی‌انتهای خداوند تاکید می‌کند. در واژه «رحم»، حرف «راء» دارای صفت تکریر است که نشانگر دائم الرحمة بودن خداوند، و حرف «حاء» دارای خصیصه احساسات انسانی (عباس، ۱۸۰) و حرف «میم» با ویژگی گسترش و امتداد (عباس، ۷۱) به زیبایی غیرقابل وصف و پراحساس، رحمت گسترده پروردگار عالم را در

اعلی درجه آن ترسیم می‌کند. در این آیه خداوند با استفاده از همخوان‌های پراحساس و معنادار، بردن واژه «رحم» به باب افعال تفضیل و استفاده هدفمند از واژه «رب» و جناس حاصله، در صدد القای مفهوم سیاق و سوره است. تکرار ربنا و رب دل را نرم می‌کند و طراوت ایمان را در آن برمی‌انگیزاند.

در آیه ۸۷ «وَذَا النُّونِ إِذْهَبْ مُغاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» تکرار آوای (ز)، در حروف (ذال- ضاء- ظاء) که دارای ویژگی اضطراب و شدت (عباس، ۶۵)، استعلا و جهر است، و هنگام تلفظ (ظ- ذ)، هوا از منفذ تنگی عبور می‌کند (ستودنیا، ۱۴۵)، طنین دهشتزای تاریکی و ظلمت سه‌گانه‌ی تاریکی شب، دریا و شکم نهنگ را القا می‌کند و از طرف دیگر تکرار هفده مرتبه‌ای همخوان «نون» با خاصیت آوای جهری که هنگام خروج همراه با حبس شدن نفس می‌باشد، سنگینی و شدت تاریکی و فضای سهمگین فراگرفته اطراف حضرت یونس را بیشتر می‌کند. اما بعد از عبور از فضای سنگین و متراکم ظلمات سه گانه، در عبارت «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» لحن نرم می‌شود، «آوای زیبایی از «لا» اوچ می‌گیرد و با توالی حرف «لام» با موسیقی خاصی بلند می‌شود و در پایان با «انت» استقرار می‌یابد.» (فراستخواه، ۱۳۱)، وجود انسان را سرشار از آرامش و اطمینان می‌کند و بدنبال این دعای خالصانه اجابت قطعی با عبارت «فاستجينا»، محقق می‌شود. این شیوه بیان، به زیبایی تمام، جلوه‌هایی از افاضات و عنایات ربوی نسبت به بندگان را منعکس می‌کند. در این آیه، علاوه بر تکرار حروف، واژه «ظلم» نیز تکرار شده است. خداوند متعال با تکرار هدفمند حروف و واژگان مناسب و با استفاده از سرگذشت یک پیامبر، منظور خود را در غالب زیباترین آرایه‌ها به مخاطب القا نموده و طرز دستیابی به عالی‌ترین مباحث اخلاقی «رجوع به نفس، اقرار به ظلمات نفسانی، توبه» و طریقه‌ی تعامل با خویش را به انسانها می‌آموزد. علاوه بر این، جناس حاصله دو واژه «الظُّلُمَاتِ» و «الظَّالِمِينَ» علاوه بر اینکه دو مفهوم را به طرزی معنادار به هم پیوند زده، بر زیانا نمودن آیه و ریتم و لحن آیه نیز تأثیر گذاشته است.

ماجرای استجابت رسولان و تعامل خداوند با پیامبران در آیه ۸۸ «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَا مِنَ الْغَمِّ وَكَذِلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» با آواهای بلند اما نرم بیان شده است. همخوان «جیم» دربردارنده صفت جهر، به معنی آوای بلند، آشکار و قوی (ستوده‌نیا، ۱۷۳)؛ است، به همراه تکرار ۸ مرتبه‌ای «نون» که مبین صمیمیت و انسانیت (عباس، ۱۵۸) است در صدد القای این مهّم است که، خداوند با آوای بلند و در نهایت صمیمیت و محبت یونس را اجابت می‌کند. این حس زیبا و افاضات الهی، با تکرار «و» به اوج می‌رسد و لحن کند می‌شود. تکرار این آواها به همراه تکرار «نجی» در انتقال مفهوم تعامل خداوند با بندگان بسیار اثرگذار است. در آیه ۹۰ «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَخْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَاسِعِينَ»، وакه کشیده «» بسیار زیاد دیده می‌شود که نه تنها زیبایی خاصی را ایجاد کرده، بلکه توجه مخاطب را نیز جلب می‌کند. اما آنچه در اینجا قابل ذکر است، بیان حس خوبی است که نشانه پاسخ مثبت خدای متعال به بندگی درخواست کننده‌اش است و علاوه بر این، همخوان «لام» که نرم و گوش‌نواز است (عبدالشکور، ۳۴) موارد فوق را، بخوبی انتقال می‌دهد. یکی از موارد بسیار زیبا در آیه فوق این است که گویی خداوند سبحان می‌خواهد سخن گفتنش با پیامبر اکرم(ص) را طولانی تر کند، به همین دلیل با تکرار واژه «و» و «له» بین جملات، سرعت کلام را کم نموده و افاضات اعطایی به این پیامبر را به تفصیل بیان کند. علاوه بر این، بین دو کلمه «رغبًا» و «رهبًا»، جناس لاحق برقرار است. خداوند متعال با انتخاب این دو کلمه، ترس و رغبت را به مخاطب منتقل می‌کند یعنی بندگان صالح، خداوند را هم به خاطر عشق به خداوند و هم به خاطر ترس از عذاب ناشی از کنش خویش، می‌خوانند. به این ترتیب حضور آرایه جناس، آهنگی دلشیین به این آیه بخشیده و بیم و امید را توامان در جان مخاطب فرو می‌ریزد.

۶-۶. تحلیل آوایی در سیاق ششم: وارثان نهایی جهان

این سیاق شامل آیات ۹۲ تا ۱۱۲ می‌باشد. در آیات آغازین، مساله ربویت، هدایت،

ارسال رسول، معاد و ارتباطش با انسان مطرح شده و در آیه ۹۴ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفُّرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ» با عبارت «إنما له كتابون»، بر روی بیت الهی به معنای مراقبت و پرورش و اصلاح، تاکید کرده است. مباحث این سیاق، جمع‌بندی تمام مطالب سیاق‌های پیشین است که برای بشر معبدی است واحد، و آن معبد همان کسی است که آسمانها و زمین را خلق نموده، لذا باید او را با واسطه نبوت، و پذیرفتن دعوت انبیاء، پیرستند و با پرستش وی آماده حساب شوند. سپس به عاقبت جهان و معاد، پرداخته و برای شدت بخشیدن به تهدید کافران، ظهور یأجوج و مأجوج را که از «اشرات الساعه» است، مطرح می‌کند و بر بُتها و خدایان دروغین مشرکان سخت می‌تازد. سپس به وراثت زمین توسط صالحان اشاره می‌کند و در پایان، بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رحمتی برای جهانیان معرفی و او را مأمور دعوت مردم به خدای یگانه می‌داند، آنگاه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد و سفارش می‌کند که دست از کافران بشوید و آنان را به خدای رحمان واگذارد. با توجه به مطالب مذکور، یکی از آیات کلیدی این سیاق، آیه ۱۰۴ «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطْيٌ السِّجْلُ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أُولَئِكُلَّ قُرْبَةً نُعِيدُهُ وَعَدْلًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» می‌باشد، زیرا به واقعه عظیم قیامت و عاقبت جهان پرداخته است. آیه ۱۰۵ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» کلیدی است، زیرا به یکی از سنت‌های الهی مبنی بر حکومت بندگان صالح بر روی زمین اشاره می‌کند کلیدی بودن این آیه در این سیاق، از این جهت است که حکومت بندگان صالح بر زمین، تبلور لطف و رحمتی است که در سایه رسالت بدست می‌آید. آیه ۱۱۲ «قَالَ رَبُّ الْحُكْمِ بِالْحَقِّ وَ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَنُ عَلَىٰ مَا تَصْفُونَ» کلیدی است، زیرا این آیه که آخرین آیه سوره الانبیاء است همچون نخستین آیه خبر از غفلت و بی‌خبری مردم می‌دهد، با توجه به مباحث مذکور، کلمات کلیدی این سیاق، «نَطْوِي»، «سِجْل»، «كَتَبْنَا»، «الذِّكْر»، «يَرْثُ»، «عِبَادِي»، «الصَّالِحُونَ» می‌باشد. از آنجا که مطالب این سیاق در مورد سرانجام جهان و حکومت بندگان صالح گستره هستی است، لذا مطلب کانونی سیاق «وارثان نهایی جهان»

است که می‌تواند عنوان سیاق ششم انتخاب شود. خداوند برای بیان حوادث قیامت از آواهای خاصی استفاده فرموده است. در آیه ۱۰۴ «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَّى السَّجْلُ لِكَتْبٍ كَمَا بَدَأْنَا أَوْلَ خَلْقٍ نُعِدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ» آوای انفجاری «طاء» (الحمد، ۲۸۷) و «كاف» (السیران، ۱۲۸/۱) شدت و اضطراب قیامت و آوای صوتی «سین» با صفت امتداد و انتشار (عباس، ۱۰۹)، حشر و نشر در قیامت را طنین انداز می‌کند. علاوه بر این حرف «عين» با ویژگی عظمت و علو (عباس، ۲۱۲) گسترده‌گی قدرت خداوند را در آن روز سخت و سهمگین القا می‌کند. این آواها به همراه استفاده ۶ مرتبه‌ای از تشدید، و تکرار واژه «طوى» به شکل بسیار هنرمندانه، حوادث هولانگیز قیامت را تصویرسازی کرده است. علاوه بر این، بین «نطوى» و «طى» آرایه جناس مشهود است. آمدن دو کلمه، از یک ریشه، غرض اصلی آیه را که در هم نور دیدن است از طریق تشبیه، به گونه‌ای ایجازگونه به زیبایی بیان کرده است از طرف دیگر، بکار گرفتن حرف "طا" در کلمات متجلانس، که در بردارنده حالت شدت و جهر است با مفهوم آیه تناسب و مطابقت ایجاد کرده است. این آرایه کاملاً هدفمند صورت گرفته، تا علاوه بر برجسته‌سازی و خلق موسیقی، صحنه‌های قیامت را ملموس تر کرده، تا حس شنیداری و حتی بینایی خواننده اهل ذوق را به خود جلب کند. در آیه ۱۰۵ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» صدای آوای «زاء» در حروف «ذ- ض- ز» با ویژگی شدت (عباس، ۶۵)، استعلا و جهر به معنی آوای بلند و آشکار، قوت (ستوده‌نیا، ۱۷۴) است. این آواها با بیانی حتمی و قطعی، با صدایی بلند، آشکار و فراگیر، پیروزی عباد صالح، که وارثان نهایی جهان هستند را القا می‌کند. علاوه بر این، تکرار همخوان «راء» با صفت تکریر، مبین این معناست که این نوید در کتب آسمانی پیشین هم بیان شده است. در کنار همه این آواها، تکرار نون که دلالت بر صمیمیت و انسانیت (عباس، ۱۵۸) دارد، حس امنیت و آرامش را به واسطه این سنت زیبای الهی به مخاطب القا می‌کند. در قسمت اول آیه ۱۱۲ «قَالَ رَبٌّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصْنَعُونَ» تکرار همخوان «قاف»، با صفت جهر به معنی قوت

و آوای بلند و آشکار (ستوده‌نیا، ۷۳)، همخوان «باء» با صفت شدت و همخوان «حاء» که بر حالت نفسانی عمیق (فلاح، پوردانش، ۱۳۱) دلالت می‌کند، بخوبی توانسته است غرض خداوند را در درخواست داوری نبی اکرم، صلی الله علیه و آله، القا کند. در قسمت دوم آیه «وَ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصْفِيُونَ» تکرار نون که مبین صمیمیت، انسانیت و جاری شدن (عباس، ۱۵۸) است به همراه همخوان «باء» که دارای صفت شدت است، ربویت الهی را به همراه رحمت واسعه‌اش القا می‌کند. این آواها به همراه تکرار واژه «رب»، دل را نرم، و تأثیر زیادی بر جان شنونده دارد. در قسمت اول، نبی اکرم(ص) رب را به خود، و در قسمت دوم رب را به خود و همه متنسب می‌کند، در حقیقت با کلمه «ربنَا» آنها را به این واقعیت توجه می‌دهد که ما همه مربوب و مخلوقیم، و او خالق و پروردگار همه ما است. توجه به تکرار این واژه در کل سوره و اتمام سوره با دو بار تکرار این واژه، به خوبی موضوع محوری این سوره که ربویت حق تعالی است را تبیین نموده است.

تحلیل آوایی آیات کلیدی سوره الانبیاء نشان می‌دهد همه آواهای سوره در راستای پیام و موضوع اصلی سوره یعنی تبیین ربویت الله و نحوه تعامل با انسان است و این از اعجاز بیانی قرآن کریم است که حتی از طریق دلالتهای آوایی الفاظ، غرض سوره را یعنی اصلاح بینش و کنش انسان در باره ربویت الله را تأمین می‌کند.

۷- نتایج مقاله

۷-۱- آواها با موسیقی و آهنگ خاصی که به واژگان می‌دهند قادرند در سخنان ادبی نقش مهمی را در انتقال پیام بر عهده بگیرند. علاوه بر جنبه زیباشناختی موسیقی آواها، فتوسمانیک به الفاظ به عنوان عناصر درون متنی از حیث آوا و دلالتهای آوائیشان توجه می‌کند. نحوه گزینش و چینش کلمات، دلالتهای آوایی را تولید می‌کند که همان لحن کلام است و لحن کلام بار معنایی خاصی را با خود به کلام می‌افزاید و نحوه گزینش و چینش حروف (همخوانها) و حرکات (واکدها) و برخی صنایع لفظی، ریتم کلام را تولید می‌کند و

شناخت لحن و ریتم کلام در کشف مقصود گوینده بسیار موثر است.

۷-۲- در سوره الانبیاء با توجه به مکّی بودن و اشتمال بر موضوعاتی از جمله اثبات توحید و نفی شرک، ربویت عرش و معاد، لحن غالب، سریع و کوبنده است مانند «بلْ نَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَعُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (الانبیاء، ۱۸) که با استفاده از حرف مکرر «فاف» با ویژگی شدت، درهم کوبنده شدن باطل را القا می‌کند که این لحن‌ها در راستای تاکید موضوع و پیام اصلی سوره یعنی ربویت و انسان می‌باشد.

۷-۳- تحلیل آیات کلیدی در سیاق‌های سوره الانبیاء نشان می‌دهد، آواها با معانی در ارتباطند و در هر سیاق با توجه به مضمون آن سیاق، آواها تغییر کردند، به عنوان مثال آواهایی که برای بیان حوادث قیامت بکار رفته با آوای به کار رفته در دعا متفاوت است. مثلاً در «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجْلِ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدْأَ عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ» (الانبیاء، ۱۰۴) که آوای انفجاری «طاء» و «كاف» شدت و اضطراب قیامت و آوای صوتی «سین»، امتداد و انتشار، حشر و نشر قیامت و حرف «عین» با صفات علوّ، قطعیت، عظمت و گسترده‌گی قیامت و قدرت خداوند را القا می‌کند.

۷-۴- به کار بردن آواهای نرم و لطیف، موضوع مهمی را در نهایت لطافت و زیبایی بیان می‌کند مانند «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَنَّى الْضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (الانبیاء، ۸۳) حرف «سین» و «حاء» با صفت همس و رخوت و «راء» بین شدت و رخوت، «نون» با ویژگی صمیمیت و انسانیت، استقرار و جاری شدن، حالت دعایی و تضرع حضرت ایوب را به درگاه خدای ارحم الراحمین به زیبایی ترسیم می‌کند.

۷-۵- قرآن کریم، مطالب مهم را با آواهای مجھور و بلند بیان کرده تا اهمیت مطلب نشان داده شود مانند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرَثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الانبیاء، ۱۰۵) که صدای آوای «زاء» در حروف «ذ- ض- ز» با شدت، استعلا و جهر، «راء» با صفت تکریر، «نون» با صفت صمیمیت و انسانیت، پیروزی عباد صالح، که وارثان نهایی جهان هستند را القا می‌کند.

۶-۷- تحلیل آوایی آیات کلیدی سوره الانبیاء نشان می‌دهد همه آواهای سوره در راستای غرض سوره یعنی تبیین ربویّت الله و متعاقب آن اصلاح بینش و کنش انسان درباره رب و ربویّت، تنظیم شده‌اند و این امر نشان دهنده اهمیت القای پیام در قرآن‌کریم و کاربست همه شیوه‌های بیانی لازم در این راستاست و یکی از مهمترین این شیوه‌ها آوامعنایی یا فنوسمانتیک است که در حقیقت بهره‌گیری از صفات حروف در راستای القای هرچه کامل‌تر و بلیغ‌تر پیام است که این خود از کیفیت گزینش و چینش حروف و حرکات حاصل می‌شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن‌الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، درآمدی بر علم تجوید، قم، حضور، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن‌عشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، لبنان - بیروت، مؤسسه التاریخ العربي، ۱۴۲۰ هـ.
۴. پاکنچی، احمد، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۶ ش.
۵. حمد، غانم قدوری، بی‌تا، دراسات الصوتبه عند علماء التجوید، بی‌جا، دار عمار.
۶. خامه‌گر، محمد، اصول و قواعد کشف استدلایی غرض سوره‌های قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۲۰۱۸م.
۷. خرقانی، حسن، عوامل پدید آورنده ضرب آهنگ در قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸۴، ص ۴ تا ۲۷، ۱۳۹۶ ش.
۸. رجبی، محمود، روش تفسیر فرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
۹. زحیلی، وهبی، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، دارالفکر، سوریه - دمشق، ۱۴۱۱ هـ.
۱۰. زیبایی، منیر و سیدحسین حسینی، تحلیل کارکرد ساخت آوایی در سوره محمد در القای معنا، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ششم، شماره اول، ص ۷۳ تا ۹۴، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. سادات فاطمی، سیدجواد، پژوهشی در وقف و ابتداء، مشهد، به نشر، ۱۳۸۲.
۱۲. ستوده‌نیا، محمدرضا، بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی، تهران، رایزن، ۱۳۷۸.
۱۳. سعران، محمود، علم اللげ مقدمه للقاری العربي، قاهره، دارالفکرالعربي، ۱۹۹۷م.
۱۴. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان - بیروت دارالكتاب العربي، ۱۴۲۱ هـ.
۱۵. صابونی، محمدعلی، صفوة التفاسير، لبنان - بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ هـ.
۱۶. صافی، محمود، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامة، سوریه، دمشق، دارالرشید، ۱۴۱۸ هـ.
۱۷. صبحی الصالح، مباحث فی علوم القرآن، الطبعة: الطبعة الرابعة و العشرون کانون الثانی / بیانیر ۲۰۰۰، الناشر: دارالعلم للملايين (کتابخانه مدرسه فقاهت).
۱۸. صفوی، کورش، درآمدی بر زبان‌شناسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. طبرسی فضل بن حسن، ترجمه مجمع البيان فی تفسیر القرآن، حسین نوری همدانی، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۲۱. عباس، حسن، خصائص الحروف و معانیها، اتحاد الكتاب العرب، ۱۹۸۹م.
۲۲. علامی، ابوالفضل، پژوهشی در علم تجوید، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. عمران‌پور، محمدرضا، عوامل «ایجاد»، «تغییر و تنوع» و «نقش» لحن در شعر، پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰ ص ۱۲۷ تا ۱۵۰، ۱۳۸۴.
۲۴. فراستخواه، مقصودزبان قرآن، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۲۵. فلاح، ابراهیم و سجاد شفیع پور، کاربردشناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن کریم (تحلیل موردی سوره مرسلات)، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۳، ص ۴۱ تا ۶۴، ۱۳۹۴.
۲۶. فلاح، عبدالشکور، زینه القرآن، مشهد، آستان قدس، ۱۳۸۳.
۲۷. فلاح، ابراهیم، سجاد پوردانش، تناسب اولی محتوایی (فنوسماطیک) در آیات قران با بررسی مواردی از سوره واقعه، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۲۹ تا ۱۵۲، ۱۳۹۶.
۲۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمييز في لطائف الكتاب العزيز، مصر - قاهره، جمهورية مصر العربية، وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، ۱۴۱۶ هـ.
۲۹. قطب، سید، فی ظلال القرآن، لبنان - بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵ هـ.
۳۰. تهرمانی نژاد شایق، بهاءالدین و محمد جواد جاوری، بررسی اعجاز لفظی و هنری قرآن کریم و ارتباط آن با آواعنایی، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱۲۷ تا ۱۵۵، ۱۳۹۵.
۳۱. قویحی، مهوش، آوا و القا رهیافتی به شعر اخوان ثالث، تهران، هرمس، ۱۳۸۳.
۳۲. کواز، محمد کریم، سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن، تهران، سخن، ۱۳۸۶.
۳۳. مدرسی قوامی، گلناز آواشناسی بررسی علمی گفتار، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
۳۴. معرفت، محمد‌هادی، تناسب آیات، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۵. نعمتی پیرعلی، دل آرا، جلوه‌های تربیت در دعاهاي قرآنی، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۴۴، ص ۶۷ تا ۸۶، ۱۳۸۷.